

دیپلماسی رسانه‌ای و مذاکرات هسته‌ای ج.ا.ا.

قاسم میسایی^۱، فائز دین‌پرست^۲ محمد جعفری^۳ مسلم گلستان^۴

چکیده

این پژوهش به بررسی هویت نمایش داده شده از کشورهای عضو ۵+۱ در رابطه با موضوع مذاکرات هسته‌ای در روزنامه ایران دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداخته است. در مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱، کشورهای غربی با کمک دیپلماسی رسانه‌ای سعی در امنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران و همراه کردن آن با واژگانی از قبیل بمب اتمی، تهدیدی برای امنیت جهان داشته‌اند. بر همین اساس دیپلماسی رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر روی مسائل جدید به‌طور عام و مسأله پرونده هسته‌ای ایران به‌طور خاص است. سؤال تحقیق بدین‌صورت مطرح شده است: «هویت اعضای ۵+۱ در متن روزنامه ایران سال‌های ۹۲-۸۲، چگونه تصویر شده است؟» در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. یافته‌های تحقیق ضمن تأکید بر، برساخته بودن هویت کشورها در روابط بین‌الملل، هویت اعضای ۵+۱ را در گروه‌های «دوست» و «دشمن» نمایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

مذاکرات هسته‌ای، ایران، روزنامه ایران، دیپلماسی رسانه‌ای، هویت، تحلیل محتوا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ghmisaei@yahoo.com

faez.dinparast@gmail.com

jafarimohammad070@gmail.com

moslemgolestan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۵

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

۴. کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده وزارت خارجه

۱. مقدمه

پژوهش پیش‌رو به بررسی هویت بازسازی شده از اعضای ۵+۱، طرف مذاکرات هسته‌ای ایران در روزنامه «ایران» در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداخته است. فعالیت‌های هسته‌ای ایران از اواخر دهه ۵۰ میلادی (۱۹۵۷) با همکاری ایالات متحده، به‌عنوان بخشی از برنامه «اتم برای صلح» آیزنهاور رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد (Jahanpour, 2007). پس از پایان جنگ تحمیلی، دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، تلاش ناموفقی را در جهت راه‌اندازی مجدد پروژه‌های هسته‌ای دنبال کرد (Amuzegar, 2006: 93). در دوران اصلاحات، به دنبال گزارش تیموتی گاردن در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) مبنی بر هسته‌ای بودن ایران، همچنین افشاگری گروه موسوم به منافقین در ۱۹ اوت سال ۲۰۰۲ (۲۳ مرداد ۱۳۸۱)، موضوع هسته‌ای ایران وارد مرحله جدیدی شد (Kutchesfahani, 2006: 9).

دولت هشتم، تلاش نمود تا ضمن کسب حمایت اروپا به‌عنوان یک وزنه تعادلی در برابر جاه‌طلبی‌ها و یک‌جانبه‌گرایی‌های ایالات متحده، از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت جلوگیری نماید و راه‌حلی دیپلماتیک را برای رسیدن به یک توافق جامع هسته‌ای جست‌وجو کند (Mazzucelli, 2007: 5). بر همین اساس سه دور مذاکره با سه کشور اروپایی انجام شد. مذاکرات سعدآباد در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ و دومین مرحله مذاکرات در ۴ اسفند ۱۳۸۲ در بروکسل بین دو طرف انجام شد که منجر به تفاهم‌نامه‌هایی با همین عناوین شد. به دنبال صدور قطعنامه ضدایرانی شورای حکام در ماه مارس ۲۰۰۴ (اسفند ۱۳۸۲)، در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۴ در کاخ سعدآباد تهران در مذاکراتی که بین ایران و سه کشور اروپایی انجام شد، توافقنامه جدید دیگری با نام «توافقنامه پاریس» منعقد شد که طبق آن «ایران تعلیق کامل غنی‌سازی اورانیوم را پذیرفت» (Mousavian, 2006). اما توافق پاریس به دلیل کارشکنی‌های ایالات متحده و ناتوانی و ظرفیت نداشتن اروپا در انجام تعهداتش، به بن‌بست رسید. نتیجه این شد که جمهوری اسلامی، اقدام به ابطال موافقت‌نامه پاریس و آغاز فعالیت «UCF» اصفهان کرد. بعد از این بود که سیر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت از سوی غربی‌ها و شروع یک مرحله جدید و پرتنش همزمان با آغاز دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد آغاز شد (علیخانی: ۱۳۸۵). در همین زمان بود که موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد. از این زمان به بعد چندین قطعنامه از جمله قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، در شورای امنیت علیه ایران

صادر شد. باید گفت فارغ از این قطعنامه‌ها و تحریم‌های ناشی از آن، تا پایان دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد مذاکرات زیادی برای حل بحران هسته‌ای ایران صورت گرفت که هیچ‌کدام نتیجه‌ای نداشت. در نهایت، با روی کار آمدن دولت یازدهم، در مذاکراتی فشرده به مدت دو سال، توافق هسته‌ای با عنوان برجام به حصول، امضا و اجرا رسید.

در سالیان اخیر، پرونده هسته‌ای ایران تبدیل به یکی از جنجال برانگیزترین موضوعات در عرصه بین‌المللی شده و بر شدت اختلافات دو طرف (ایران و قدرت‌های جهانی) افزوده است. کشورهای غربی از طرق مختلف سعی در بازداشتن ایران از دستیابی به انرژی هسته‌ای داشته‌اند؛ چنان‌که آنها علاوه بر اهرم‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، برای فشار آوردن به دولت ایران برای کنار گذاشتن فعالیت‌های هسته‌ای، از ظرفیت رسانه‌ها نیز استفاده کرده‌اند. در دوران جدید با توجه به اهمیت افکار عمومی در سطح بین‌المللی و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شکل جدیدی از قدرت ایجاد شده است و کشورهای قدرتمند دنیا با عنایت به این موضوع و با بهره‌گیری از فناوری پیشرفته و از طریق توسعه شبکه‌های ماهواره‌ای و ارتباطی، سعی در تسهیل مسیر تأمین منافع ملی خود داشته‌اند. این موضوع با عنوان دیپلماسی رسانه‌ای مطرح شده است و از سوی دولت‌ها توجه ویژه‌ای به آن می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای به ابتکارات و نوآوری‌های هر دولت برای مدیریت چهره رسانه‌ای خود در فراسوی قلمرو سرزمینی‌اش اطلاق می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای به صورت عام به معنای به کارگیری رسانه‌ها جهت ارتقاء و تکمیل سیاست خارجی تفسیر می‌گردد (Gilboa, 2002). راما پراساد محقق امریکایی آن را به‌عنوان نقشی که رسانه‌ها در فعالیت‌های دیپلماتیک میان کشورها بازی می‌کنند تعریف کرده است (Prasad, 2002, 122).

بر همین منوال، در سال‌های گذشته، رسانه‌های غربی در جریان فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان بازیگرانی مؤثر، کارکردی همسو با سیاست‌های دول متبوعشان داشته‌اند و درصدد بوده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران را در یک وضعیت امنیتی قرار دهند چنان‌که این رسانه‌ها از طریق بازنمایی هدفمند واقعیات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همنشین کردن آنها با کلید واژگانی مانند بمب، سلاح هسته‌ای یا تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی کوشیده‌اند تا فضای ذهنی مخاطبان خود را درباره این فعالیت‌ها ناامن سازند (سعیدی، ۱۳۹۰). شاهد این مدعا پژوهشی است که عبدالله گیویان و بهنام رضاقلی‌زاده با عنوان «برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای امریکا در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۳» انجام داده‌اند.

«تحلیل سایت‌های مذکور نشان می‌دهد که نگرش این دو رسانه بین‌المللی درخصوص برنامه‌های اتمی ایران، همواره چالشی بوده و بار ارزشی منفی در اخبار آنها برجستگی بیشتری دارد. به‌طوری که این دو رسانه شگردهای مناقشه‌انگیزی را پیرامون این فعالیت‌ها شکل می‌دهند و دیدگاهی مشکوک از برنامه هسته‌ای ایران ترویج می‌کنند. همچنین هدف ایران از ادامه برنامه هسته‌ای را در راستای مقاصد نظامی می‌دانند (گیویان و رضاقلی‌زاده، ۱۳۸۹) در واقع، غربی‌ها با استفاده از ظرفیت عظیم رسانه‌ای خود سعی داشته‌اند تا در کوتاه‌مدت (آستانه مذاکرات هسته‌ای با ایران) و بلندمدت، از پرونده هسته‌ای ایران مشروعیت‌زدایی کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در پوشش خبری به آن پرداخته می‌شود، هویت‌سازی از طرف‌های مقابل است. به عبارت دیگر عوامل رسانه‌ای با توجه به جهت‌گیری‌هایی که دارند سعی در معرفی طرف‌های مذاکره‌کننده به نحو مثبت یا منفی دارند. از طرف دیگر همین هویت‌سازی‌هایی که توسط عوامل رسانه‌ای انجام می‌شود، به‌طور غیرمستقیم بر روند مذاکرات و بر دو طرف مذاکره‌کننده تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند به دو طریق خود را نشان دهد. ابتدا تأثیر بر ذهنیت مذاکره‌کنندگان و افراد نخبه تصمیم‌گیرنده است که با توجه به هویت‌سازی انجام شده به دیدگاه و طرز فکر آنها در مورد نحوه برخورد با طرف مقابل جهت می‌دهد. دوم اینکه این هویت‌سازی‌های رسانه‌ای بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد و به آنها جهت می‌دهد و در مرحله دوم این افکار عمومی مذاکره‌کنندگان را به جهت خاصی سوق می‌دهد. با بیان این مطالب، روشن شد که هویت برساخته برای دیگری، از اهمیت بالایی جهت تحلیل مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ برخوردار است. هویت‌ها و انگاره‌ها در عرصه بین‌الملل، به‌طور خود به خودی خلق نمی‌شوند (ونت، ۱۳۸۴: ۴۶۴). مسلماً دوره‌های طولانی تعامل بین کشورها و برساختن چهره‌هایی که به‌طور تدریجی راجع به دیگران ایجاد می‌شوند، از جمله عوامل اصلی هویت‌ساز دیگران در برابر خود در عرصه سیاست خارجی می‌باشند. با توجه به آنچه گفته شد، پس از ایجاد هویت خاص برای خود و دیگری، ابزارهای گوناگونی با تکیه بر هویت ایجاد شده، به بازتولید آن می‌پردازند. در این میان، رسانه از جمله همین ابزارهاست. در واقع، رسانه‌ها نقش مهمی در تثبیت هویت برای خود و دیگری ایفا نموده و نه تنها بر اذهان عامه مردم تأثیرگذار می‌شوند، بلکه فرایند رسمی سیاسی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. این پژوهش، با علم به اهمیت رسانه‌ها به‌ویژه مطبوعات نوشتاری و همچنین با توجه به خلاء پژوهشی موجود در این زمینه، درصدد تبیین هویت برساخته شده برای گروه ۵+۱ در روند مذاکرات

هسته‌ای است. از این رو، رویکردهای روزنامه ایران به‌عنوان روزنامه رسمی دولت در قبال پرونده هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و سعی می‌شود تا نحوه برسازی هویت گروه ۵+۱، از چشم‌انداز روزنامه ایران در دوره‌های مختلف تحلیل گردد. سؤال تحقیق به این صورت مطرح می‌شود: «هویت اعضای ۵+۱ در متن روزنامه ایران سال‌های ۹۲-۸۲ چگونه تصویر شده است؟» برای پاسخ به سؤال مذکور از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روند بررسی موضوع تحقیق به این صورت است که ابتدا مبانی نظری تحقیق که نظریه سازه‌انگاری است را بیان می‌کنیم، در ادامه روش تحقیق و نحوه بکارگیری آن در این تحقیق را بیان و سپس به پشتوانه آن به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازیم و در نهایت نتیجه تحقیق را بیان می‌کنیم.

۲. چارچوب نظری: نظریه سازه‌انگاری

در اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حفاصل میان نظریات تبیینی^۱ و تأسیسی^۲ قرار می‌گیرد؛ از این طرح نو با‌عنوان سازه‌انگاری یاد می‌شود (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷)، بدین لحاظ نظریه سازه‌انگاری بین نظریات روابط بین‌الملل به‌منظور راهی میانه محسوب می‌شود (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۴: ۵۴).

به نظر می‌رسد سازه‌انگاری بیش از آنکه یک نظریه باشد، فراتر از آنست؛ چراکه با مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پیوندی وثیق دارد. اگر هستی‌شناسی از هستی می‌پرسد، یعنی چه چیزی وجود دارد که ما به دنبال شناخت آن برمی‌آییم، معرفت‌شناسی از چگونگی معرفت آن هستی می‌پرسد (استوکر و مارش، ۱۳۹۲: ۱۳). سازه‌انگاری از حیث هستی‌شناسی از «معناگرایی»^۳ در مقابل «ماده‌گرایی»^۴ و از «ذهنیت‌گرایی»^۵ در مقابل «عینیت‌گرایی»^۶ دفاع می‌کند. از این منظر، سازه‌انگاری به وجود مستقل جهان از ذهن انسانی (واقع‌گرایی) باور ندارد. از منظر معرفت‌شناسانه نیز این دیدگاه امکان دستیابی به حقیقت عینی، ذاتی و از پیش تعیین شده را باور نمی‌کند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

۱. نظریه‌های تبیینی (Explanatory theory) در پی بیان چرایی رفتار دولت‌ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت‌ها را به‌عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده است.

۲. نظریه‌های تأسیسی (constitutive theories) قرار می‌گیرند که قائل به این امر می‌باشند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می‌گیرند.

3. Ideationalism
4. Materialism
5. Subjectivism
6. Objectivism

به‌طور کلی، سازه‌انگاران از هر طیفی که باشند و به‌رغم برخی اختلاف‌نظرها و تفاوت‌ها، در سه‌گزاره اصلی هستی‌شناختی در مورد حیات اجتماعی اتفاق نظر دارند. اولاً، سازه‌انگاران برآنند که تا جایی که می‌توان گفت ساختارها به رفتار کنشگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد یا دولت‌ها، شکل می‌دهند، ساختارهای هنجاری یا فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند. ثانیاً، استدلال سازه‌انگاران این است که چون هویت‌ها الهام‌بخش منافع و در نتیجه، کنش‌ها هستند، فهم اینکه چگونه ساختارهای غیرمادی هویت‌های کنشگران را مشروط می‌کنند، اهمیت دارد. ثالثاً، سازه‌انگاران ادعا می‌کنند که کارگزاران و ساختارها به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۸۶-۲۸۴).

۱-۲. سازه‌انگاری و مقوله هویت

هویت کنشگران، در کانون نظریه سازه‌انگاری قرار دارد. تعاریف متفاوتی از مفهوم هویت بیان شده است. در تعریفی کلی، هویت، تصور ما از خویشتن یا تصویری کلی از وجود ما در برابر دیگران است. بنابراین، هویت شناخت ما از خویشتن است و این شناخت زمانی به دست می‌آید که ما در برابر دیگری یا غیر قرار می‌گیریم (قریشی، ۱۳۸۱: ۳۹).

هویت دارای چهار ویژگی است:

۱. **غیریت**، به معنای رابطه‌مند بودن هویت که در آن «خود» در برابر «دیگری» تعریف می‌شود؛

۲. **سیالیت**، به معنای پویایی و سرشت متحول آن؛

۳. **برساخته بودن**، به این معنا که بازیگران، رویه‌ها، سازوکارها و نهادها در برساختن اجتماعی و گفتمانی هویت نقش‌آفرین‌اند؛ و

۴. **چندگانگی** که به سرشت چندگانه هویت‌ها دلالت دارند و بازیگران در میان آنها در نوسان‌اند (Goff and Dunn, 2004).

اگرچه طیف مختلف سازه‌انگاران اعم از مدرن و پسا مدرن نیز در درون خود شقوق مختلف دارند ولی همگی با این دیدگاه واقع‌گرایان و لیبرال‌ها مخالف‌اند که هویت و منافع دولت‌ها از پیش تعیین شده است (Stein, 2003: 303). از نظر سازه‌انگاران هویت‌ها اموری مسلم و قطعی نیستند، بلکه اموری هستند که ما آنها را ایجاد کرده‌ایم و به همین دلیل که ما آنها را ایجاد

کرده‌ایم، می‌توانستیم آنها را به گونه‌ای دیگر تشکیل دهیم. هویت دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به وسیله مشارکت در معانی و از درون یک دنیای اجتماعی تکوین یافته پدید می‌آید و می‌تواند تغییر کند. اگر دیده می‌شود که برخی از گونه‌های هویت و منافع می‌توانند به امری پایدار تبدیل شوند، به این معنا نیست که نمی‌توانند تغییر کنند (بیلیس، اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۵۴). از این‌رو سازه‌انگاران استدلال می‌کنند هویت دولت‌ها تحت تأثیر ساختار اجتماعی تعاملات، افکار هنجاری و عقاید قرار دارد. باید توجه داشت که در این ارتباط، هنجارها و ارزش‌ها نقش اساسی بازی می‌کنند. به دلیل تقدم هنجارها در مدل سازه‌انگاری، دولت‌ها نمی‌توانند در رفتارهای خود، هنجارها را نادیده بگیرند و برای رسیدن به منافع، هر اقدامی را انجام دهند (جوادی ارجمندی و چاپکی، ۱۳۸۹: ۴۱).

الکساندر ونت هویت را خصوصیتی در کنشگر نیت‌مند می‌داند که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است. بنابراین، هویت ریشه در فهم کنشگر از خود دارد اما معنای این فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران، کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶). در تعامل اجتماعی است که هویت ساخته شده و قوام می‌یابد؛ به این معنی که در اثر تکرار عمل اجتماعی، بازیگران به هویتی دست می‌یابند که نسبی و در ارتباط با تصور از خود و تصور دیگران از خود بوده و ساختارهای درونی و بیرونی، هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند. پس هویت، مفهومی برساخته و بین‌الذهانی است. مطابق نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها سیال‌اند و برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری هویت جدید، منافع جدیدی هم برای یک دولت مطرح می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۴۶۴-۵۳۴). این به معنای آن است که نخست هویت‌ها و سرشت تعاملات و روابط میان آنها ثابت و لایتغیر نیست؛ ثانیاً بلوک‌های ساختمانی واقعیت‌های بین‌المللی هم ذهنی و فکری هستند و هم مادی؛ ثالثاً معنا و اهمیت عوامل فکری مستقل از زمان و مکان نیست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۶).

۲-۲. هویت و الگوهای دوستی، دشمنی و رقابت

سازه‌انگاران معتقدند که انسان بر اساس هویت زمینه‌مند خود، دنیای خود را می‌سازد و به کنش در آن می‌پردازد و به نحو دیالکتیکی از آن متأثر می‌شوند. در روابط بین‌الملل هم سازه‌انگاری معتقد است که تصور و تلقی کشورها از توزیع قدرت دیگران، فراسوی توزیع عینی

قدرت (تصور خردگرایان)، قرار دارد. این تصورات برآمده از تصورات یک ملت است که آنها را قادر به تعامل با محیط می‌کند. هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام نمایند و واقعیتی سلسله مراتبی بسازند که بر اساس «خود»، «دگری» و دوست و دشمن تعریف شده است. (پرایس و رئوس اسمیت، ۱۳۸۶: ۴۵۳-۴۵۶)

این جهان ساخته شده که دارای دلالت‌های ارزشی است، اقدامات آنها را نیز شکل می‌دهند. دولت نیز که برساخته‌ای اجتماعی است، در این ذهنیت جمعی مشارکت دارند و جهان را در این چارچوب درک می‌کنند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها، تهدیدات را تعریف می‌کنند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهند. در سایه این تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را قابل تحمل یا غیرقابل تحمل می‌یابند، کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن، رقیب یا بی‌طرف دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آنها به‌عنوان تهدید یا دوستانه تلقی خواهد شد. دولت‌ها با این تصورات درصدد تغییر یا حفظ نظم موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و بر علیه دیگری اقدام می‌کنند؛ شدت و ضعف این دوستی و دشمنی‌ها نیز به تصورات مبتنی است. در این چارچوب آنها موقعیت‌ها را برای خود معنادار می‌کنند، حوزه‌های نفوذ خود را تعریف می‌کنند و ضرورت‌ها و نیازهای خود را بازشناسی می‌کنند و در یک «سیاست خارجی خود را می‌سازند» (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

ونت به پیروی از هدلی بول و مارتین وایت درک و فهم منازعه یا همکاری در روابط بین‌الملل را در قالب سه فرهنگ که هر یک منطبق و گرایش ویژه دارد، قرار می‌دهد: فرهنگ هابزی، فرهنگ لاکه و فرهنگ کانتی. اگرچه ممکن است که این فرهنگ‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌هایی در سطح داخلی یا فراملی باشند اما در مجموع بر محور نظام دولت‌ها هستند. در قلب هر آنارشی، تنها یک موضع سوژگی وجود دارد: در فرهنگ هابزی، «دشمن» در فرهنگ لاکه «رقیب» و در فرهنگ کانتی «دوست». هر یک از وضعیت‌ها متضمن حالت یا سمت‌گیری خاص خود نسبت به دیگری از نظر کاربرد خشونت است. حالت دشمنان، حالت متخاصمان تهدیدگری است که حدودمرزی در خشونت علیه یکدیگر نمی‌شناسند؛ حالت رقیب، حالت رقیبانی که از خشونت علیه یکدیگر استفاده می‌کنند اما از کشتن یکدیگر خودداری می‌کنند و حالت دوستان حالت متحدانی است که از خشونت برای حل و فصل اختلافات خود استفاده نمی‌کنند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷۵-۳۷۶)

به نظر الکساندر ونت، نرم‌ها و هنجارها در هر فرهنگ در سطح خاصی بین همگان مشترک بوده و در سه سطح یا درجه درونی شده‌اند. در سطح اول که با مفروضات واقع‌گرایی نیز سازگار است، دنباله‌روی از هنجارها برآیند اعمال زور و قدرت هژمون است. در سطح دوم و متناسب با مبانی نو لیبرال‌ها تعهد به هنجارها ناشی از مشروعیت و منافع حاصل از آنهاست و در سطح سوم که رویکرد سازانگاره را به نمایش می‌گذارد، هنجارها اساساً شکل‌دهنده به منافع و هویت بازیگران هستند. بالاترین درجه همکاری نیز از نظر ونت در سطح اخیر از درونی سازی هنجارها در میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد که مختص حاکم شدن فرهنگ آنارشی کانتی در سیستم بین‌الملل است. بنابراین، پاسخ به این پرسش که چرا دولت‌ها به شکل تضاد آمیز یا احیاناً همکاری جویانه در قبال یکدیگر رفتار می‌کنند و یکدیگر را دشمن، رقیب یا دوست تلقی می‌کنند برگرفته از کردارهای اجتماعی است که به واسطه آن به تعریف خود و دیگری می‌پردازند. بر این اساس است که ونت ادعا می‌کند «آنارشی چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند یا آن را می‌سازند» (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

از دیدگاه الکساندر ونت، هویت دولت‌ها تعیین‌کننده سیاست خارجی آنها است. به اعتقاد وی، هرکدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل به‌مانند افراد در جامعه داخلی، نوعی هویت دارند که به رفتار آنها در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آنها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. بنابراین، هویت بازیگران در نظام بین‌الملل به صورت عام و در مذاکرات شکل گرفته به صورت خاص، امری برساختی است که در این پژوهش به دنبال بازشناسی این هویت در «روزنامه ایران» هستیم.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. جامعه آماری و نمونه: جامعه آماری ما در این پژوهش شماره‌های منتشر شده روزنامه ایران در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است. در این تحقیق، به‌منظور یافتن نتایج دقیق‌تر و قابل استناد و همچنین با توجه به در اختیار داشتن زمان کافی برای بررسی کلیه جامعه آماری، از نمونه‌گیری اجتناب شده است.

۳-۲. نوع پژوهش: توصیفی تحلیلی؛ این تحقیق، نخست اینکه از نوع توصیفی است. در تحقیق توصیفی در پی توصیف عینی منظم و واقعی خصوصیات یک موضوع هستیم و قصد هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی از داده‌ها را نداریم، بلکه قصد نشان دادن وضعیت موجود است (دلآوری، ۱۳۸۰). منظور

اینکه ما در این پژوهش در پی توصیف خصوصیات موضوع تحقیق (هویت +۱ در مذاکرات هسته‌ای) در متن روزنامه ایران هستیم.

از طرف دیگر و در مرحله دوم ما می‌خواهیم با توجه به توصیفی که از عینیت موضوع ارائه داده‌ایم به تحلیل در این زمینه بپردازیم. بنابراین تحلیلی نیز است.

۳-۳. روش تحقیق: روشی که برای پیشبرد این تحقیق به کار گرفته شده است، تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه، اسناد رسمی و ... بکار بست (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶: ۲۳۷). کلاس کریپندورف تحلیل محتوا را «تکنیک پژوهشی استنباط معتبر از متن» تعریف می‌کند. (کریپندورف، ۱۳۹۰: ۹-۲۹). در این روش ابتدا متن خود را تعیین و تعریف می‌کنیم. در اینجا متن ما به‌عنوان مطالب روزنامه ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ انتخاب می‌شود. در مرحله بعد آن ویژگی‌هایی را که در متن می‌خواهیم جست‌وجو کنیم، مشخص می‌کنیم. به عبارت دیگر متغیرهایی را که در متن می‌خواهیم شناسایی کنیم، (که می‌تواند شامل واژه، عبارت، و ... باشد) را مشخص می‌کنیم. این مرحله را می‌توان مترادف با تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن مفاهیم دانست (میسایی، ۱۳۹۳: ۵۳). ما در این پژوهش، مفاهیم را به مدد نظریه سازه‌انگاری، که آن را مبنای نظری پژوهش خود انتخاب کرده‌ایم، استخراج کردیم. بدین ترتیب سه مفهوم «دوست»، «دشمن» و «رقیب» را به‌عنوان مفاهیمی که در متن موردنظرمان می‌خواهیم شناسایی کنیم، مشخص کرده‌ایم. برای شناسایی بهتر مفاهیم مذکور سعی بر شاخص‌سازی و عملیاتی کردن آنها کردیم که جدول شماره ۱ به‌عنوان شاخص‌های این مفاهیم شکل گرفت.

جدول شماره ۱. مفاهیم و شاخص‌ها

مفاهیم	شاخص‌ها
دوست	مخالفت با تحریم
	تشویق طرفین به مذاکره (تأکید بر دیپلماسی)
	اذعان به امکان حل بحران
	پذیرش حقوق هسته‌ای ایران (به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران)
	نفی گزینه نظامی در مساله هسته‌ای ایران
	تأکید بر حل مساله ایران در آژانس و عدم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت
	اقرار به عدم وجود شواهد مبنی بر ساخت بمب در ایران
	همکاری هسته‌ای با ایران
	اعتماد به برنامه هسته‌ای ایران

ادامه جدول شماره ۱. مفاهیم و شاخص‌ها

مفاهیم	شاخص‌ها
دشمن	طرفداری از تحریم ایران
	اذعان به بی‌نتیجه بودن مذاکرات
	حمله نظامی به ایران (تهدید ایران)
	تعطیلی و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران
	اعمال فشار بر کشورهای موافق ایران
	تصویب قطعنامه علیه ایران
	مذاکرات تصنعی با ایران
	نگرانی از غنی‌سازی در ایران
	پیش شرط تعلیق برای انجام مذاکرات هسته‌ای با ایران
	استفاده ایزاری از سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران
	تهدید ایران
رقیب	ممانعت از قدرت گرفتن ایران
	مذاکره با ایران، توأم با فشار شورای امنیت
	تمایل به شراکت در مراکز هسته‌ای ایران
	اعطای بسته‌های پیشنهادی به ایران
	محدود کردن ایران در سیاست‌های منطقه‌ای
	عدم راهیابی ایران برای مدیریت جهانی
	ممانعت از ورود ایران به باشگاه هسته‌ای

بعد از مرحله شاخص‌سازی، واحد زمینه نیز انتخاب شد و هر عنوان مطلب مرتبط با موضوع تحقیق را به مثابه یک واحد زمینه انتخاب و محسوب کردیم و در آن به بررسی و جست‌وجوی شاخص‌های موردنظر پرداختیم. مطالب موردنظر نشانه‌گذاری شدند. حال نوبت به تحلیل مطالب یافت شده می‌رسد. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها آنها را در دسته‌بندی‌های متعددی جای داده‌ایم. در ابتدا، با توجه به اینکه علت انتخاب روزنامه ایران برای این پژوهش، دولتی بودن این روزنامه است و می‌توان برداشت‌های این روزنامه را، دیدگاه‌های دولت ایران دانست، بر همین اساس، این بررسی‌ها بر مبنای تغییر دولت‌ها، به دو دوره زمانی تقسیم شده است. به این ترتیب سال‌های ۸۴-۸۲ در قالب دولت محمد خاتمی و سال‌های ۹۲-۸۴ در قالب دو دولت محمود احمدی‌نژاد تفکیک شده است. بعد از تقسیم‌بندی تاریخی دوره تحقیق، به بررسی هویت هر یک از شش کشور عضو ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای در متن روزنامه ایران می‌پردازیم.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت با توجه به بررسی‌هایی که به واسطه شاخص‌سازی‌ها در متن روزنامه ایران انجام دادیم، به بررسی هویت هر یک از کشورهای طرف مذاکره هسته‌ای با ایران در دوره زمانی موردنظر (۱۳۹۲-۱۳۸۲)، به صورت منفرد می‌پردازیم. با توجه به اینکه دوره زمانی مورد بررسی ما مقارن با سال‌های پایانی دولت محمد خاتمی و دو دوره دولت احمدی‌نژاد است. در اینجا این بررسی را در ظرف زمانی دولت‌های مورد نظر انجام می‌دهیم. بنابراین، در این تحقیق دوره زمانی مورد بررسی ما به یک دوره دو ساله و دو دوره چهار ساله تقسیم می‌شود.

۴-۱. هویت اعضای ۵+۱ در روزنامه ایران در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ (دوران ریاست**جمهوری خاتمی)**

در این دوره زمانی، از مجموعه صفحات شماره‌های روزنامه ایران که در این محدوده زمانی منتشر شدند و مورد بررسی قرار گرفتند، در مرحله اول ۴۳۱ صفحه از آنها مرتبط با موضوع تحقیق تشخیص داده شد. در اینجا هویت منفرد اعضای ۵+۱ که از این صفحات بدست آمده است را به‌طور جداگانه در مورد هر یک از کشورهای عضو بیان می‌کنیم.

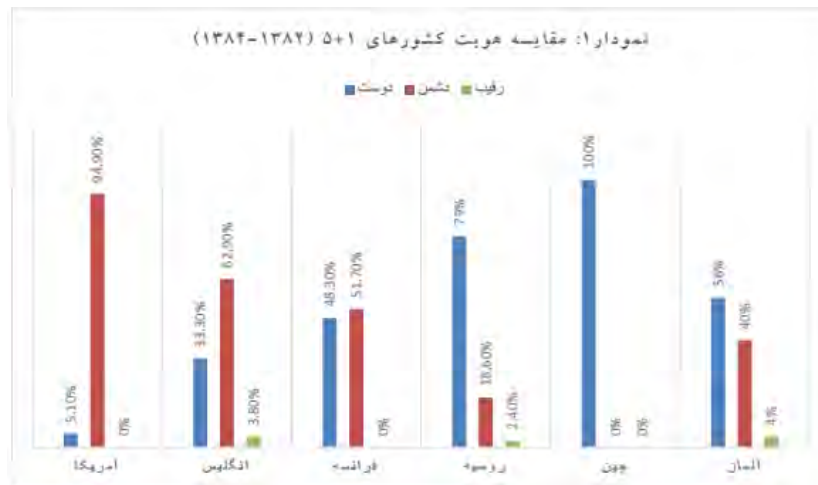
ابتدا به بررسی هویت برساخته شده از امریکا در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا اواسط مرداد ۱۳۸۴، در روزنامه ایران می‌پردازیم. در طول این سال‌ها آن چیزی که از هویت امریکا در روزنامه ایران مشاهده می‌شود، شامل ۱۱۹ دلالتگر است که از این مجموعه ۱۱۳ عدد آن به ویژگی دشمنی هویت این کشور اشاره و ۶ عدد آن به دوستی هویت کشور مذکور دلالت دارند. در ضمن در این مقطع زمانی، دلالتگری دال بر هویت رقابت در رابطه با امریکا یافت نشد. در رابطه با هویت کشور انگلیس نیز ۲۷ مورد دلالتگر یافت شده که یک مورد بر رقیب بودن، ۱۷ مورد بر دشمنی و در نهایت ۹ مورد بر دوستی دلالت دارند. از مجموع ۲۹ مورد یافت شده در رابطه با هویت کشور فرانسه در مذاکرات هسته‌ای، ۱۵ مورد آن بر دشمنی هویت این کشور و ۱۴ مورد دیگر بر دوستی هویت کشور مذکور با ایران اشاره دارند. آمار مربوط به کشور روسیه با کشورهایی که تا حال ذکر شده متفاوت است: بدین ترتیب که از کل ۴۳ مورد یافت شده در رابطه با هویت این کشور، ۳۴ مورد بر دوستی، ۸ مورد بر دشمنی و یک مورد بر رقیب بودن هویت آن کشور دلالت دارند. چین نیز به همین ترتیب از مجموع ۸ مورد یافت شده در رابطه با هویت این کشور در مذاکرات هسته‌ای، هر ۸ مورد بر هویت دوستی این

کشور دلالت دارند. در نهایت از ۲۵ دلالتگر یافت شده در رابطه با هویت کشور آلمان در متن روزنامه ایران، ۱۴ مورد به هویت دوستی، ۱۰ مورد به هویت دشمنی، و در نهایت ۱ مورد به هویت رقیب بودن این کشور در مذاکرات هسته‌ای ایران دلالت دارد.

در ادامه، به منظور درک بهتر هویت هر یک از اعضای ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای، در این مقطع زمانی و همچنین مطالعه مقایسه‌ای آنها، این کشورها را در کنار هم همراه با نوع هویت نمایش داده شده از آنها در روزنامه ایران، در جدول و نمودار شماره ۲ و نمودار شماره ۱ آورده‌ایم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به کشور آمریکا بیشتر پرداخته شده است و بیشترین فراوانی را دارد که در آن بیشتر هویت دشمنی آن مدنظر بوده است. در مقابل، روسیه که بیشتر به هویت دوستی آن پرداخته شده، دومین فراوانی را بین دیگر کشورها دارد. کشورهای انگلیس و فرانسه هر چند بیشتر بر هویت دشمنی این دو کشور پرداخته شده است، اما هویت دوستی قابل توجهی را نیز به خود اختصاص داده‌اند. کشور آلمان، هویت دوستی آن بیشتر است، اما هویت دشمنی قابل توجهی را نیز به خود اختصاص داده است. در پایان باید به هویت نمایش داده شده از کشور چین نیز اشاره کرد. هر چند فراوانی دلالتگرهای هویتی این کشور در مقایسه با دیگر کشورها کم است، اما بین ۶ کشور، تنها کشوری است که تنها به هویت دوستی آن اشاره شده است. این وضعیت را به خوبی می‌توان در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱ دید.

جدول شماره ۲. هویت اعضای ۵+۱ (۱۳۸۲-۱۳۸۴)

کشور	دشمن		رقیب		دوست		مجموع
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	
آمریکا	۱۱۳	۹۴/۹٪	-	-	۶	۵/۱٪	۱۱۹
انگلیس	۱۷	۶۲/۹٪	۱	۳/۸٪	۹	۳۳/۳٪	۲۷
فرانسه	۱۵	۵۱/۷٪	-	-	۱۴	۴۸/۳٪	۲۹
روسیه	۸	۱۸/۶٪	۱	۲/۴٪	۳۴	۷۹٪	۴۳
چین	-	-	-	-	۸	۱۰۰٪	۸
آلمان	۱۰	۴۰٪	۱	۴٪	۱۴	۵۶٪	۲۵



۴-۲. هویت منفرد اعضای ۵+۱ در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد

در این دوره زمانی، با بررسی متون صفحات روزنامه ایران، از مجموعه صفحات شماره‌های روزنامه ایران که در این محدوده زمانی منتشر شدند و مورد بررسی قرار گرفتند، در مرحله نخست ۱۱۶۳ صفحه از آنها مرتبط با موضوع تحقیق تشخیص داده شد. در ادامه به بررسی هویت منفرد هر یک از اعضای ۵+۱ در محتوای روزنامه ایران، به ترتیب در دوره اول و دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد می‌پردازیم.

۴-۲-۱. هویت منفرد اعضای ۵+۱ در دوره نخست ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد (۱۳۸۸-)

(۱۳۸۴)

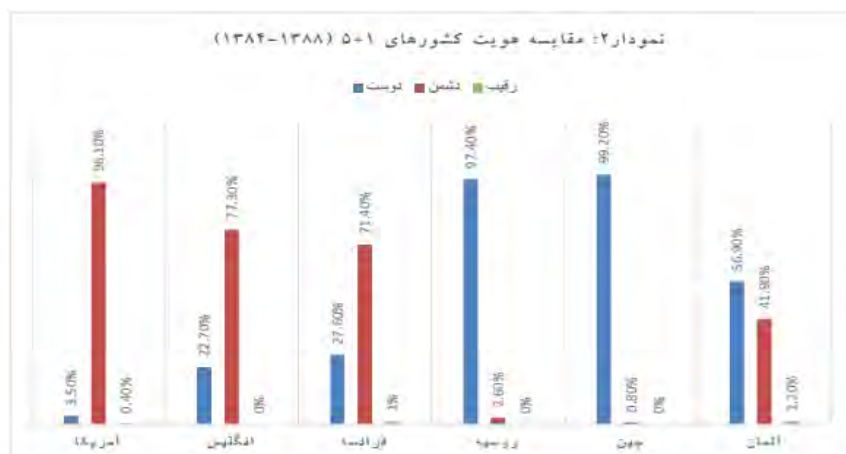
در این دوره زمانی، در مجموع، ۲۸۳ دالانگر بر هویت امریکا در متن روزنامه ایران یافت شده که ۲۷۲ عدد آن بر هویت دشمنی، ۱۰ عدد آن بر هویت دوستی و در نهایت ۱ عدد آن بر هویت رقیب بودن امریکا اشاره می‌کنند. در رابطه با هویت انگلیس نیز، ۸۹ بار هویت این کشور در مذاکرات هسته‌ای مورد اشاره قرار گرفته است که از این مجموعه ۲۰ مورد بر هویت دوستی، ۶۸ مورد بر هویت دشمنی و در نهایت ۱ مورد بر هویت رقیب بودن این کشور در مذاکرات هسته‌ای اشاره دارند. آن چیزی که از هویت کشور فرانسه در متن روزنامه ایران در رابطه با مذاکرات هسته‌ای نمایش داده شده است، از مجموع ۱۰۵ دالانگر، نشانگر ۷۵ مورد دشمنی، ۲۹ مورد دوستی و ۱ مورد رقیب بودن هویت این کشور است. از ۲۷۰ مورد دالانگر مرتبط با هویت

کشور روسیه نیز، ۲۶۳ مورد بر هویت دوستی و ۷ مورد بر هویت دشمنی این کشور اشاره دارند. هویت کشور چین بسیار مثبت‌تر از کشورهای دیگر ترسیم شده است. به نحوی که از مجموع ۱۳۶ دلالتگر مرتبط با هویت این کشور ۱۳۵ مورد بر هویت دوستی کشور مذکور و تنها ۱ مورد بر هویت دشمنی این کشور اشاره دارد. درنهایت در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ از مجموع ۹۳ دلالتگر در رابطه با هویت کشور آلمان ۵۳ مورد آن بر هویت دوستی، ۳۹ مورد بر هویت دشمنی و در آخر ۱ مورد هم بر رقیب بودن هویت این کشور اشاره دارد.

در مقام مقایسه هویت نمایش داده شده از اعضای ۵+۱ در متن مورد بررسی، در این دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) باید گفت: همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، کشورهای امریکا، انگلیس و فرانسه به ترتیب بیشترین مقدار هویت دشمنی بین کشورهای عضو ۵+۱ را به خود اختصاص داده‌اند و میزان هویت دشمنی آنها بسیار بیشتر از هویت دوستی آنها است. در طرف دیگر، روسیه و چین قرار دارند که بیشترین میزان هویت دوستی را به خود اختصاص داده‌اند و میزان هویت دشمنی آنها بسیار ناچیز است. کشور آلمان در وضعیتی متفاوت از این دو گروه، به لحاظ نمایش نوع هویت در متن مورد بررسی، قرار دارد. به این ترتیب که نه آنچنان که در گروه اول می‌بینیم هویت دشمنی آن در مقابل هویت دوستی آن اختلاف بسیار زیادی داشته باشد و از طرف دیگر، در مقایسه با گروه دوم نیز میزان هویت دوستی آن در قبال این گروه بسیار پایین‌تر است. بنابراین، این کشور در موقعیتی بینابین دو گروه ذکر شده قرار دارد و هویت دوستی آن با اختلاف نه چندان زیاد درباره هویت دشمنی آن بیشتر است. این وضعیت در نمودار شماره ۲ نیز نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳. هویت اعضای ۵+۱ (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

هویت کشور	دوست		دشمن		رقیب		مجموع	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
آمریکا	۱۰	٪۳/۵	۲۷۲	٪۹۶/۱	۱	٪۴	۲۸۳	٪۱۰۰
انگلیس	۲۰	٪۲۲/۴	۶۸	٪۷۶/۴	۱	٪۱/۲	۸۹	٪۱۰۰
فرانسه	۲۹	٪۳۲/۶	۷۵	٪۷۱/۴	۱	٪۱	۱۰۵	٪۱۰۰
روسیه	۲۶۳	٪۹۷/۴	۷	٪۲/۶	-	-	۲۷۰	٪۱۰۰
چین	۱۳۵	٪۹۹/۲	۱	٪۰/۸	-	-	۱۳۶	٪۱۰۰
آلمان	۵۳	٪۵۶/۹	۳۹	٪۴۱/۹	۱	٪۱/۲	۹۳	٪۱۰۰



۲-۲-۴. بررسی هویت منفرد اعضای ۵+۱ در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

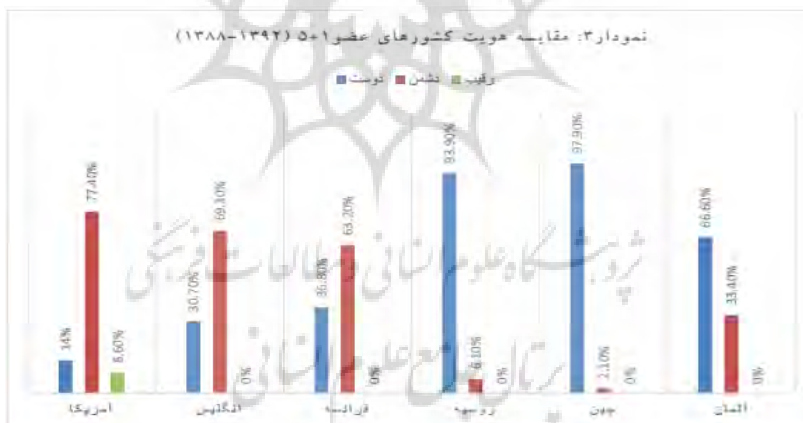
در مجموع در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، ۷۱ مورد مرتبط با هویت کشور آمریکا یافت شده که ۵۵ مورد آن بر دشمنی، ۱۰ مورد بر دوستی و در نهایت ۶ مورد بر رقیب بودن هویت این کشور تأکید دارند. در رابطه با کشور انگلیس نیز از ۱۳ مورد مرتبط با هویت این کشور، ۹ مورد بر هویت دشمنی و ۴ مورد بر هویت دوستی این کشور اشاره دارند. آمار مرتبط با کشور فرانسه نیز بیانگر این است که از مجموع ۱۹ دلالتگر در رابطه با هویت کشور مذکور، ۱۲ مورد آن بر هویت دشمنی و ۷ مورد آن بر هویت دوستی اشاره دارند. دلالتگرهای مرتبط با هویت کشور روسیه مشابه دوره‌های قبلی است. بدین صورت که از مجموع ۸۲ مورد مرتبط با هویت کشور روسیه ۷۷ مورد بر هویت دوستی این کشور و ۵ مورد بر هویت دشمنی کشور مذکور تأکید دارند. چین نیز به همین ترتیب از کل ۴۸ مورد مرتبط با هویت این کشور در متن روزنامه ایران، ۴۷ مورد بر هویت دوستی این کشور و ۱ مورد بر هویت دشمنی کشور مذکور اشاره داشتند. در پایان از مجموع ۶ مورد مرتبط با هویت کشور آلمان در این دوره تاریخی، ۴ مورد بر هویت دوستی و ۲ مورد بر هویت دشمنی اشاره داشتند.

در پایان این بخش نیز، همانند دو بخش قبلی به مقایسه هویت مطرح شده از کشورهای عضو ۵+۱ در این دوره تاریخی می‌پردازیم. همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، در این دوره تاریخی نیز

می‌توان دو گروه از کشورها را از هم متمایز کرد: گروه نخست کشورهایی که هویت دشمنی آنها بیشتر از هویت دوستی آنها به نمایش گذاشته شده است. این کشورها شامل امریکا، انگلیس و فرانسه است. اما اگر به جدول دقت شود، یک تفاوت بین کشورهای دارای هویت دشمن در این دوره (۱۳۸۸-۱۳۹۲) با کشورهای دارای هویت دشمن در دوره قبلی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) وجود دارد و آن هم اینکه برخلاف دوره قبلی که هویت دشمنی این کشورها اختلاف بسیار زیادی با هویت دوستی آنها داشت، در این دوره این اختلاف بین هویت دشمنی آنها و هویت دوستی آنها در حد متوسط کاهش پیدا می‌کند. گروه دوم کشورهای هستندی که هویت دوستی آنها در مقابل هویت دشمنی آنها بیشتر است و شامل کشورهای روسیه، چین و آلمان می‌شود.

جدول شماره ۴. هویت اعضای ۵+۱ (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

هویت سال	دوست		دشمن		رقیب		مجموع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
آمریکا	۱۰	۱۴٪	۵۵	۷۷/۴٪	۶	۸/۶٪	۷۱
انگلیس	۴	۳۰/۷٪	۹	۶۹/۳٪	-	-	۱۳
فرانسه	۷	۳۶/۸٪	۱۲	۶۳/۲٪	-	-	۱۹
روس	۷۷	۹۳/۹٪	۵	۶/۱٪	-	-	۸۲
چین	۴۷	۹۷/۹٪	۱	۲/۱٪	-	-	۴۸
آلمان	۴	۶۶/۱۶٪	۲	۳۳/۴٪	-	-	۶



در ادامه به مقایسه اطلاعات بدست آمده از موضوع تحقیق در این سه دوره زمانی می‌پردازیم. همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، هویت برساخته شده از امریکا از نوع هویت دشمنی است با این تفاوت که در دوره سوم (۱۳۸۸-۱۳۹۲) نسبت به دو دوره قبلی کم رنگ‌تر می‌شود. این قضیه در مورد کشور انگلیس نیز همین‌طور است و هویت برساخته از او حاکی از هویت دشمنی است. منتها در دو دوره دوم و سوم نسبت به دوره اول پررنگ‌تر می‌شود. این قضیه دقیقاً در مورد کشور فرانسه نیز صدق می‌کند ولی در مورد کشور مذکور، آمار قابل توجهی نیز به هویت دوستی این کشور اختصاص یافته است. برخلاف کشورهایی که در بالا ذکر شد، در مورد کشور روسیه، به‌طور قابل توجهی بر هویت دوستی این کشور در هر سه دوره زمانی اشاره شده، منتها در دوره زمانی دوم و سوم بیشتر شده است. در این میان چین تنها کشوری است که بیشترین آمار دوستی را به خود اختصاص داده، ولی در دوره زمانی دوم و به خصوص سوم، آماری، هر چند ناچیز، که آن هم ناشی از عملکرد او در شورای امنیت بوده، به هویت دشمنی این کشور اختصاص یافته است. درنهایت، در مورد کشور آلمان نیز هویت دوستی این کشور بیشتر مورد توجه بوده است و درصد فراوانی اختصاص یافته به هویت مذکور در دو دوره زمانی اول و دوم یکسان و در دوره سوم افزایش پیدا کرده است.

جدول شماره ۵: مقایسه هویت اعضای ۱+۵ در سه دوره زمانی

دوره کشور	۱۳۸۴-۱۳۸۲	۱۳۸۸-۱۳۸۴	۱۳۹۲-۱۳۸۸
آمریکا	درصد فراوانی دوست	۵/۱٪	۲/۵٪
	درصد فراوانی دشمن	۹۴/۹٪	۹۶/۱٪
	درصد فراوانی رقیب	-	۴٪
انگلیس	درصد فراوانی دوست	۳۳/۳٪	۲۲/۴٪
	درصد فراوانی دشمن	۶۲/۹٪	۷۶/۴٪
	درصد فراوانی رقیب	۲/۳۸۸٪	۱/۲٪
فرانسه	درصد فراوانی دوست	۴۸/۲٪	۲۷/۶٪
	درصد فراوانی دشمن	۵۱/۷٪	۷۱/۴٪
	درصد فراوانی رقیب	-	۱٪
روسیه	درصد فراوانی دوست	۷۹٪	۹۷/۴٪
	درصد فراوانی دشمن	۱۸/۶٪	۲/۶٪
	درصد فراوانی رقیب	۲/۴٪	-

ادامه جدول شماره ۵: مقایسه هویت اعضای ۵+۱ در سه دوره زمانی

دوره کشور	۱۳۸۲-۱۳۸۴	۱۳۸۴-۱۳۸۸	۱۳۸۸-۱۳۹۲
چین	درصد فراوانی دوست	٪۱۰۰	٪۹۹/۲
	درصد فراوانی دشمن	-	٪۸
	درصد فراوانی رقیب	-	-
آلمان	درصد فراوانی دوست	٪۵۶	٪۵۶/۹
	درصد فراوانی دشمن	٪۴۰	٪۴۱/۹
	درصد فراوانی رقیب	٪۴	٪۱۲

دوره هجدهم، شماره سی و هشتم، تابستان ۱۳۹۶

۵. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی هویت بازسازی شده از اعضای ۵+۱، طرف مذاکرات هسته‌ای ایران در روزنامه «ایران» در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداخته است. به‌طور کلی در بررسی هویت برساخته شده از کشورهای عضو ۵+۱ در روزنامه ایران می‌توان این کشورها را در سه گروه جای داد: ابتدا کشورهایی که اغلب بر هویت دشمنی آنها تأکید شده است و هویت دشمنی مطرح شده از آنها تفاوت زیادی با هویت دوستی آنها دارد. این کشورها شامل امریکا، انگلیس و فرانسه می‌شود. گروه دوم کشورهایی که اغلب هویت دوستی آنها مدنظر بوده است و به هویت دشمنی آنها بسیار کم پرداخته شده است. روسیه و چین در این گروه جای می‌گیرند. گروه سوم کشورهایی قرار دارند که هویت دوستی برساخته شده از آنها نسبت به هویت دشمنی آنها بیشتر است، اما میزان غلبه هویت دوستی آنها به میزانی نیست که در گروه دوم جای گیرند و مقدار قابل توجهی از هویت دشمنی را نیز به خود اختصاص داده‌اند.

نکته دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است این است که هویت برساخته شده از کشورهای عضو ۵+۱ از یک طرف برآمده از عملکرد عینی این کشورها در مذاکرات هسته‌ای ایران است و از طرف دیگر تلاش روزنامه دولتی ایران برای دوست‌یابی و جناح‌سازی بین اعضای ۵+۱ به نفع خودش است و این دو عامل را نمی‌توان در عمل از هم جدا کرد و جداگانه بررسی کرد. به‌فرض مثال امریکا، روسیه و چین در ابتدای روند مذاکرات نقش کم‌رنگی داشتند و به همین دلیل در سال‌های ابتدایی میزان آمار پرداختن به هویت آنها کم بود اما با ورود آنها به مذاکرات، آمار مربوط به هویت آنها نیز افزایش پیدا کرد.

نکته دیگری که در پرتو نظریه سازه‌انگاری (به عنوان چارچوب نظری بکار گرفته شده در این تحقیق) که خود بیانگر کاربردی بودن و مفید بودن نظریه مذکور نیز هست، اینکه هویت‌ها اموری مسلم و قطعی نیستند، بلکه اموری هستند که ما آنها را ایجاد کرده‌ایم. هویت دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به‌وسیله مشارکت در معانی و از درون یک دنیای اجتماعی تکوین یافته پدید می‌آید و می‌تواند تغییر کند. اگر دیده می‌شود که برخی از گونه‌های هویت و منافع می‌توانند به امری پایدار تبدیل شوند، به این معنا نیست که نمی‌توانند تغییر کنند. پس هویت، مفهومی برساخته و بین‌الذهانی است. مطابق نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها سیال‌اند و برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به‌تبع شکل‌گیری هویت جدید، منافع جدیدی هم برای یک دولت مطرح می‌شود. از این رو سازه‌انگاران استدلال می‌کنند هویت دولت‌ها تحت تأثیر ساختار اجتماعی تعاملات، افکار هنجاری و عقاید قرار دارد. به عبارت دیگر سازه‌انگاران، در میانه دو طیف عین‌گرا و ذهن‌گرای روابط بین‌الملل قرار می‌گیرند و به عین به‌عنوان عملکرد دولت‌ها و به ذهن به‌عنوان هویت و هنجارهای آنها توجه دارد و این دو را مکمل همدیگر می‌داند. که این مسأله در تمامی آمارهای استخراج شده از هویت برساخته شده از اعضای ۵+۱ در روزنامه ایران قابل تبیین است. در فرایند تحقیق شاهد تغییر در هویت برساخته شده از اعضای ۵+۱ هستیم. این تغییر از یک سو ناشی از عملکرد دولت‌های مذکور (که خود ناشی از منافع و اهداف آنها و به تعبیری برداشت آنها از خود بوده است) و از طرف دیگر ناشی از معانی بین‌الذهانی شکل گرفته بین آنها و کشور ایران است. برای مثال هویت دوستی برساخته شده از کشور روسیه از ۷۹٪ در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۲، به ۹۷/۴٪ در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۴ می‌رسد که این تغییر نخست بیانگر عملکرد دولت روسیه در مقایسه با پرونده هسته‌ای ایران بوده است و ثانیاً، ناشی از معانی بین‌الذهانی شکل گرفته بین این کشور و ایران، با مضمون «دوستی» بوده است. بر این اساس هویت اعضای ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای برساخته از عملکرد آنها و همچنین معانی بین‌الذهانی شکل گرفته بین آنها و جمهوری اسلامی ایران است و تغییر در هویت‌های آنها نیز حاکی از تغییر در این معانی بین‌الذهانی است.

منابع و مأخذ

- پرایس، ریچارد، اسمیت رئوس (۱۳۸۶). **رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب برسازي**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جان بیلیس و اسمیت استیو (۱۳۸۴). **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و ام‌البین چابکی (۱۳۸۹). «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱.
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۴). «سازمان‌نگاری الکساندر ونت: امتناع‌گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۰). «رسانه‌ها و برساختگی مفاهیم امنیت و ناامنی: ملاحظاتی برای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، شماره ۴.
- قریشی، فردین (۱۳۸۱). «جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۱۱.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۹۲). **روشن و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم، حجت کاظمی (۱۳۸۶). «سازمان‌نگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). «سازمان‌نگاری به عنوان فرانتزیه روابط بین‌الملل»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۵.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دلاوری، علی (۱۳۸۰). **روشن‌های آماری در علوم تربیتی و روان‌شناسی**.
- علیخانی، مهدی (۱۳۸۵). «گلوله‌ای که از تفنگ شلیک شد» (سیر تحولات هسته‌ای ایران در زمان ریاست جمهوری خاتمی ۸۴-۱۳۷۶)، **پرتال جامع علوم انسانی**.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۹۰). **تحلیل محتوا: مبانی روشن‌شناسی**، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نی.
- کیوی، ریموند و کامپنهود (۱۳۸۶). **روشن تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

گیویان، عبدالله و بهنام رضاقلی‌زاده (۱۳۸۹)، «برجسته سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی بی سی و صدای آمریکا در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۳»، *فصلنامه جهانی رسانه*، شماره ۹. میسای، قاسم (۱۳۹۳). *جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا.*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.

- Goff, P. and K.C. Dunn (2004), "*Identity and Global Politics: Theoretical and Empirical*" Elaborations, New York: Palgrave
- Stein, Janice Gross (2005), "*Psychological Explanations on International Conflict*," in Walter Carlsnaes, Thomas Riss and Beth A.
- Amuzegar, J. (2006), "Nuclear Iran: perils and prospects", *Middle east Policy*, xiii.
- Gilboa, E. (2002), "Global Communication and Foreign Policy", *Journal Of Communication*.
<http://dw.com/p/11uvN>
- Jahanpour, Farhang, (2007), "*Chronology of Iran's Nuclear Programme, 1957-2007*", Oxford Research Group, http://www.oxfordresearchgroup.org.uk/oxford_research_group_chronology_irans_nuclear_programme_1957_2007
- Kerr K. Paul, (2012), "*Iran's Nuclear Program: Status*", Congressional Research Service, <https://www.fas.org/sgp/crs/nuke/RL34544.pdf>
- Kutchesfahani, Sara, (2006), "Iran's nuclear challenge and European diplomacy", *EPC Issue Paper* No.46, http://www.epc.eu/documents/uploads/89544050_IranIP.pdf
- Mazzucelli, Colette, (2007), "EU3-Iranian Nuclear Diplomacy: Implications for US Policy in the Middle East", *Miami-Florida European Union Center of Excellence*, Vol. 4 No. 6, Access available in http://aei.pitt.edu/8198/1/Mazzucelli-IranEUMA_edi.pdf
- Mousavian, S. H. (2006). *Iran and the West: the path to nuclear deadlock*. *Global Dialogue*, 8(1/2), 69.
- Prasad, Rama (2002), "Communication and Foreign Policy", *Journal of Communication*, Dec.